

یادداشت‌های روزانه یک خبرنگار آلمانی از بغداد (10)
بغداد 8 آوریل 2003
ساعت 11

جنگ یک بازی کامپیوتری نیست

دیشب ، شبی کوتاه بود .
بین ساعت 3 و 4 زد و خورد های کوچک و بزرگی صورت گرفت .
قبل از همه جا در غرب و همچنین جلوی هتل ما .
در نزدیکی شلیک های عراقی ها شنیده می شد که ظاهرا واحد های آمریکایی ها را در
آنطرف رودخانه هدف داشتند . وقتی که صبح شد صداها نیز بلندتر شدند .
هواپیماهای آمریکاییها و هلی کوپترهای ضد تانک به آرامی در حدود پنج کیلومتری
هتل ما پرواز می کنند و تانک های عراقی را هدف می گیرند .

مبارزه و جنگ لحظه به لحظه شدیدتر میشود

پیش از ظهر جنگ شدیدتر میشود و من در قسمت جنوبی بغداد دو هلی کوپتر از
نوع آپاچی را می بینم که دایره وار دور میزنند .
روی پل جمهوری در نزدیکی هتل ، من دو تانک آمریکایی را می بینم که به سمت
ما شلیک می کنند .
در دو یا سه کیلومتری اینجا انفجار های شدیدی شنیده می شود .
مشخص است که جیگ برای دستیابی به قسمت جنوبی کناره رودخانه می باشد ،
آنجایی که هتل ما و تعداد زیادی از نمایندگان خبرگزاری ها و همچنین انستیتوها و
ساختمان های مربوط به رژیم قرار دارد .
من احتمال میدهم که این منطقه امروز بعد از ظهر در اختیار آمریکایی ها قرار
خواهد گرفت .
وابستگان به حکومت و وزارت اطلاعات امروز در اینجا دیده نمی شدند .

خبرنگاران و گزارشگران کشته شده

اوضاع کمی آرامتر شده است ، اما هیچکس نمیداند که خطوط جبهه در بغداد واقعا
کجا قرار دارد .
مرگ دو همکارمان ما را بسیار زیاد متاسف نمود ، همچنین کشته شدن خبرنگار
الجزیره که امروز صبح در بغداد کشته شده است .
اکثر این خبرنگاران کشته شده کسانی بودند که در جبهه ها مصونیت نداشته اند و نیروهای
موتلفه آنان را در این زمینه به توهم و خیالبافی انداختند که به راحتی از تانکها گزارش
بدهند و نشان بدهند که چقدر عالی و زیباست یک سرزمین را اشغال کردن .

به ژورنالیستها دروغ گفته می شود و اطلاعات غلط داده می شود

امروز بیستمین روز جنگ است
برای من خیلی طولانی تر بنظر میاید .
همکاران می گفتند که به آنها دو ساختمانی را که آوار شده بود در قسمتی از شهر که

منصور نام دارد ، نشان داده اند که ظاهراً رهبران عراقی در آنجا بوده اند .
اطلاعات دقیق تری موجود نیست .
آمریکایی ها از روز اول جنگ میگویند که ضربه نهایی را به رهبران عراق
وارد نموده اند و به ما هر روز دروغ گفته می شود .
من تنها از مواردی گزارش می دهم که خودم دیده ام .
طبیعی است که اطلاعات غلط نیز از طرف عراقی ها دریافت می کنیم .
با وجود اینکه در بسیاری موارد نمیتوان آنها را باور کرد ، اما پیوسته خواهان دیدن
ژورنالیستها هستند .
محدودیت هایی نیز خودم تحمل کرده ام و اینگونه به مناطق جنگی نمیروم تا
بازدید از آنجا به عمل آورم .

بغداد 9 آوریل 2003
ساعت 3 و 45 دقیقه بعداز ظهر

سلطه خلع امنیتی در بغداد

امروز صبح در خیابانها هیچ خبری نبود و سکوت کامل حکمفرما بود . نیروی نظامی و پلیس شهری دیده نمی شدند و زمانی که با ماشین به اطراف حرکت می کردم هیچ چیز ندیدم . سپس احساس کردم که امروز اتفاقی خواهد افتاد . ما این احساس را از دیروز داشتیم .

تهیه گزارش خطرناکتر می شود

تمام روز تاکنون بی اطلاعی و بی خبری آزار دهنده ای در مورد وضعیت شهر وجود دارد . در حین غارت کردن بایستی کشته هایی نیز وجود داشته باشد . تاکنون دو تن از همکاران ما که امروز در خیابانها مشغول رفت و آمد بوده اند ، مفقود شده اند . انسان باید در بیرون رفتن خیلی مواظب باشد . همین دیروز پلیس ها با سوت های مکرر و پرچم ، پیروزی را جشن می گرفتند . در برابر آناشسی تهدید کننده ، تهیه گزارش هر لحظه سخت تر می شود . آدم برای حرکت در یک مسیر کوتاه با ماشین نیازمند ساعتها می باشد .

بغداد هنوز تصرف نشده است

در این لحظه ، دو خیابان آنطرفتر از هتل ما حدود 40 تانک آمریکایی وجود دارند . ما در کناره شرقی رودخانه تیگریس قرار داریم و اوضاع ممکن است هرلحظه تغییر کند . وفاداران به رژیم ممکن است ظاهر شوند و یک جنگ چریک شهری را دامن بزنند . بعد خطرناک خواهد شد . بغداد هنوز تصرف نشده است .

تانک ها بسمت هتل خبرنگاران هدف می گیرند

دیروز جنازه همکارانمان کشته شده مان را از هتل فلسطین تشییع کردیم . صبح تابوت ها را از هتل ما منتقل کردند . دیروز زمان حمله در پشت بام ساختمان بودم و دیدم که چگونه یک تانک آمریکایی روی پل لوله توپ خود را به سمت هتل ما نشانه رفت . من به سرعت به سمت پایین هتل دویدم و هنوز نرسیده بودم که صدای انفجار را شنیدم . من این را نمی فهمم که چگونه آنان اینقدر عصبی بودند که چنین اشتباهی را مرتکب شده اند . آنها می دانستند که ژورنالیست ها به این هتل منتقل شده اند . همچنین اینکه آمریکاییها می گویند از هتل به آنها تیراندازی شده است ، من رد میکنم .

آنجا کاملاً آرام و ساکت بود .
از همکاران ما پس از حمله به هتل هیچکس آنجا را ترک نکرد.
ترک کردن شهر در لحظات کنونی بسیار ناممکن و خطرناک است .

برگردان ، روزبه وین